

نگارنده : مارشلت شوت Marchette Chute

مترجم : احمد راد

قشنگترین کتابخانه دنیای جدید

هدف اصلی این مؤسسه مهم آسان ساختن

رابطه بین کتاب و خواننده است .

در کتابخانه شهرداری نیویورک هر مراجعه کننده با کمال خوش رویی پذیرفته میشود ، اعم از اینکه بخواهد لوحه گلینی که از خرابه های آشور بدست آمده ، مطالعه کند یا خواسته باشد نخستین چاپ کمندی الهی دانته را ببیند ، یا اینکه خواستار شماره اخیر يك مجله هفتگی ترکیه باشد ، یا فقط برای آزمایش حوصله کارکنان شعبه مخصوص اطلاعات کتابخانه ، از ایشان خواهش کند که محل مناسبی برای او انتخاب کنند تا بتواند ایام تعطیل خود را در آنجا خوش بگذراند .

تمام نمای این کتابخانه از مرمر پوشیده شده و محل آن در زاویه میان خیابان شماره ۴ و کوچه ۴۲ شهر نیویورک است . اطراف آنرا درختان سرسبز فرا گرفته . یلکانهای پهن گرداگرد عمارت هیچگاه از رفت و آمد مردم گوناگون خالی نیست . این مؤسسه با جمله نمونه ای است از شهر نیویورک . در تالار بزرگ مخصوص مطالعه مانند کوچه های شهر ، بهر گونه مردمی برخورد میشود . يك بار من (نگارنده مقاله) در آن کتابخانه بین موم (Maugham) نویسنده انگلیسی و پیرمردی که مشغول نوشتن نامه مفصل شکایت آمیزی بحکومت بود واقع شده بودم . دفعه دیگر که در آنجا مطالعه میکردم يك طرفم مردی ریشو با عمامه سرخ نشسته بود و سمت دیگر زن خانه داری با پیراهن جیت ، حتی یاد دارم روزی مردی را در آنجا دیدم که فناری روی شانه خود جا داده بود .

سازمان قرائت خانه دارای ۲ ۵۰۰ ۰۰۰ مجلد کتاب است و این قسمت به ۸۰ شعبه تقسیم شده است ، ولی ۴ میلیون مجلد که مجموعه مراجع و مدارک مهم را تشکیل می دهد هرگز از عمارت مخصوص بیرون برده نمیشود تا هر لحظه مورد احتیاج گردد در دسترس باشد . هیچکس حق ندارد کتابی را از این مؤسسه بیرون ببرد ، تنها استثنایی که از این قاعده عمومی شده بخاطر يك سازمان جهانی است . و آن «سازمان ملل متحد» است . این سازمان نخواهد توانست بدون استفاده از کتابخانه بزرگی وظیفه خویش را بنحوی مطلوب انجام دهد . بر طبق قرارداد مخصوصی ، کتابهایی که سازمان ملل متحد احتیاج داشته باشد زیر نظر پاسبانان مخصوص سازمان ، با لباس رسمی ، بین کتابخانه و مقر سازمان نقل و انتقال میشود .

هر روز ، کارکنان کتابخانه ، بطور متوسط به ۱۵۰۰ تلفون اشخاص جواب میدهند و مقدار بسته های رسیده باین مؤسسه ، از چهار گوشه جهان ، در حدود بیست گونی است . از فلان جزیره دور افتاده اطلاعاتی درباره حفاظت در مقابل اشعه ایکس (x) خواسته اند ، فلان کانادایی تقاضا دارد در روش آموختن زبان انگلیسی بیک دختر جوان چینی او را رهنمائی کنند ، يك دانشجوی لندنی درباره مسائل علمی و ادبی که مشغول تحقیق است اطلاعاتی می خواهد . هزاران هزار از این گونه نامه ها میرسد و بر ایگان همه آنها جواب کامل داده میشود . هیچ درخواستی را در این مؤسسه هر اندازه بی اهمیت و احیاناً سفیهانه هم باشد سرسری نمی گیرند و مورد توجه و دقت قرار می دهند . روزی جوانی

از درماری را با خود بانجا آورده بود بدان منظور که تحقیق کند چه غذائی باید باین حیوان داد، بتقاضای او همان اندازه توجه میشد که بدانمند معروف زبان عبری الیزر بن یهودا (Eliezer Ben-yehuda) که برای تهیه و تألیف فرهنگ ۱۶ مجلدی خود سه سال در آن کتابخانه رفت و آمد داشت. تالار مرکزی قفسه‌های قیش کتابخانه دارای بیش از ۹ میلیون قیش است که مشخصات تمام کتابهای کتابخانه در آنها ثبت است و عملاً محال است که کتاب مطلوب را نتوان یافت. همینکه درخواست کتاب بمتصدی مربوط داده شد، بدان نمره زده بوسیله لوله‌های تخلیه هوا بتالار قرائت خانه میفرستد و از بین شبکه‌یی که بطول ۱۳۰ کیلومتر در هفت طبقه عمارت پخش شده بقسمت مربوط منتقل می‌گردد. جوانی که متصدی این قسمت است کتاب خواسته شده را بر روی نوار چرخنده می‌گذارد که بتالار مطالعه برود؛ خواستار آن کتاب با روشن شدن نمره مخصوص از رسیدن کتاب مطلوب آگاه میشود. تمام این تشریفات بیش از هفت‌هشت دقیقه طول نمی‌کشد.

ایجاد کتابخانه شهرداری نیویورک مدیون سه عامل اصلی است؛ علاقه مردم این شهر بکار نیک، عشق بدانائی و حسن تصادف.

بیش از یک قرن پیش جوان آموزگاری بنام یوسف کوگسول (Joseph Cogswell) اشتیاق وافری داشت که برای طبقه فاضله کتابخانه‌ای بوجود آورد. او یکی از ثروتمندان بزرگ بنام جوهرن ژاکب آستور (John Jacob Astor) را برانگیخت که بانی این کار نیک شود. با همت و کمک مالی این مرد کتابخانه‌ای تأسیس گردید و بنام بانی آن آستور نامیده شد و کوگسول بسمت اولین کتابدار آن انتخاب گردید.

در همان اوان کتابخانه نوع دیگری در نیویورک بوجود آمد که آن نیز برای اهل دانش مناسب بود. این مؤسسه نتیجه علاقه مخصوص بازرگانی بود بنام جیمس لنوکس (James Lenox) که از کارهای تجاری کناره گیری کرده باعشق و شور عجیبی بجمع آوری کتاب خود را مشغول می‌داشت. این مرد کتابهای گردآورده را بشخصه فهرست می‌کرد و آنها را در منزل خود در اطرافهای خالی روی هم می‌چید و همینکه اطافی تاسقف انباشته از کتاب میشد در آن را قفل می‌کرد و بهیچکس هم اجازه نمیداد بگنجینه او نزدیک شود. این عمل او برهم بی‌دلیل نبود زیرا گنجینه او دارای نفایسی بی‌نظیر بود از قبیل؛ کتاب مقدس چاپ کونتبرک یعنی نخستین کتاب چاپی که از اقیانوس اطلس گذشته، بیش‌نویس سخنرانی وداع واشنگتن، اولین رئیس جمهوری کشورهای متحده در موقع ترک ریاست جمهور بخط خودش و نامه کریستف کلمب منتهی بر کشف دنیای جدید. حتی پس از مرگ کتوکس بازمه چندی کتابخانه او غیر قابل نفوذ بود.

در این بین یک نفر سومی از اهل نیویورک فکر دیگری داشت. این شخص که شوئمل تیلدن (Samuel Tilden) نامیده میشد. علاقه تامی بعلوم و مخصوصاً تعلیم توده داشت. وصیت کرد تمام مایملکش را صرف تأسیس کتابخانه و قرائت‌خانه عمومی کنند که هر کس بچائی بتواند از آن استفاده کند. اما بازماندگان او بوصیت عمل نکردند و اوصیاء نتوانستند بیش از ۲ میلیون دلار برای تأسیس کتابخانه از ترکه او اخذ کنند. این مبلغ برای خرید کتاب کافی بود ولی برای تهیه محل کافی نمی‌نمود.

همین شکستن وصیت‌نامه موجب ایجاد کتابخانه شهرداری نیویورک شد. زیرا وصی تیلدن بفراتناد که با مؤسسه آستور شرکعت کند. کتابخانه لنوکس هم با آن دواظهار علاقه کرد.

این سه کتابخانه با هم یکی شدند. برای اینکه نظر کوگسول بنیان گذار نخستین نیز تأمین شود مقرر گردید این مؤسسه بصورت یک دستنگاه علمی اداره شود و هر کس از فقیر و غنی بتواند بآن مؤسسه مراجعه کرده برایگان اطلاعات لازم را کسب کند و هر گونه راهنمایی که احتیاج داشته باشد در اختیار او گذاشته شود.

شهر نیویورک هم ساختمان محل این دستنگاه علمی را بمهده گرفت و بزرگترین عمارت مرمرین کشورهای متحده آمریکا باین ترتیب بوجود آمد.

بر طبق نقشه‌ای که برای کتابخانه جدید طرح شد تالار مطالعه محوطه وسیعی است در طبقه دوم عمارت، در مجاور آن سازمان اصلی فیش قرار دارد و در تمام طول راهروهای اطراف اطرافهای کوچکتری با نمای مرمر واقع است که برای کارهای مختلف اختصاص دارد. این نقشه برای رفع احتیاج کاملاً مناسب است چه هم اکنون کتابخانه در هر سال درخواست قریب ۳ میلیون نفر مراجعه کننده را انجام می‌دهد.

این مؤسسه با هدایای مردم بلند همت و کمک‌های خصوصی اداره میشود و مؤسسه هر گونه تقاضای کمکی بکند از طرف نیکوکاران سخاوتمندانه بر آورده می‌گردد. با اینهمه، فراهم آوردن تمام وسائل لازم و احتیاجات کامل مؤسسه انجام نشدنی است زیرا اطلاعات و معلوماتی که در این محل جمع آوری شده متعلق است بهمه دنیا و ارزش جهانی دارد. فقط برای نگاهداری و تنظیم فیشهای اصلی ۱۷۰ نفر متخصص که جمعاً ۳۴ زبان مختلف خارجی را بدانند لازم است تا در میان سبیل کتب و رسائل و مجلاتی که بی‌بسته بسوی این کتابخانه جاری است غرق نشوند.

کم نیست مواردی که انجمن قیمت سازمان ملل متحد، بیش از گرفتن تصمیم مهمی، مجبور شده است برای تحقیقات مورد نیاز، چندین ماه در کتب و مدارک این کتابخانه بجستجو پردازد. در زمان جنگ دایرة اطلاعات آرتس آمریکا برای بدست آوردن نقشه و معلومات خاص کشوری یا وضع ساحلی آن غالباً از این مؤسسه استفاده می‌کرده است. یک دسته از علمای شیمی که بخرج دولت آمریکا مأمور اصلاح روشهای تبلیظ (گرفتن آب) اغذیه بود، با استفاده از قسمت مدارک علمی وقتی کتابخانه مزبور توانست در کار خود کامیاب شود. دایرة تجسسات جرم، حکومت و شهربانی برای استفاده از سالنامه‌های قدیمی شماره‌های تلفون، دفاتر کهنه آمار و سیاه‌های قدیم حرکت کشتی غالباً باین مؤسسه مراجعه می‌کند. آزمایشگاههای مؤسسه معروف تلفون بل (Belle)، بر طبق برنامه مخصوص تا اکنون از روی ۱۷۶۰ کتاب و مدرک علمی که از چهار گوشه جهان در این مؤسسه جمع آوری شده نسخه‌های عکسی (Micro filme) تهیه کرده است و این برنامه بازم تعقیب میشود. شعبه موسیقی این مؤسسه آنچه مورد علاقه مراجعه کنندگان باشد بی‌مضایقه در اختیار می‌گذارد.

اعم از اینکه صفحات اصلی دفتر موسیقی دان معروف بهتون باشد یا آواز محلی جزایر فیجی. در تالار مخصوص نسب‌شناسی که دارای مجموعه‌ای باورنکردنی از دفاتر نواحی مختلف انگلستان است میتوان شهر لندن قرن شانزدهم را، از روی دفاتر مزبور، کوچیک بکوچه و بلکه خانه بخانه از نو بوجود آورد.

در این کتابخانه شعبه‌ای نیز مخصوص نخرن کتب نفیس و نادر است که بر روی در آن نوشته شده «کتابهای کم‌یاب». برای استفاده از این کتب همینکه زنگی را فشار دادید، مأمور مربوط شما را بیرون خوانده در راست سر شما قفل می‌کند.

بیاد دارم ، روزی نخستین چاپ قطع وزیری بزرگ کتاب شکسپیر را خواستم . انتظار من آن بود که نسخه عکسی از آن چاپ ارائه شود ، لکن کتابی که بمن نشان داده شد عین همان چاپ اصلی پربها بود .

یکی از مراجعہ کنندگان دائمی این کتابخانه می گفت : « بامعطلی که در این موسسه ایجاد شده ، کتابها واقماً خوشبختند » . من نیز با گفته این شخص کاملاً موافقم زیرا بین کتاب ها و خوانندگان هیچگونه مانعی نیست . منظور اصلی و اساسی از تشکیلات یا شکوه و مهرانگیز این موسسه منحصر است بر تسهیل ارتباط بین کتاب و خواننده تا بنیکوترین وجه این عاشق و معشوق را بهم برساند .

آرزوی مترجم مقاله

کيست که بکتاب علاقه داشته باشد و با چند موسسه ناچیز بسیار ناقص باصطلاح « کتابخانه » کشور باستانی ما سروکار پیدا نکرده باشد و برای استفاده از يك کتاب باهزار اشکال و مانع روبرو نشده باشد ؛ غالباً وقتی که شما فرصت دارید کتابخانه بسته است ، فیش و دفتر منظمی در کار نیست و جز توسل بخاطره کتابدار (که البته صدی نودونه از اسامی کتب را نمیداند) یا مراجعہ بدفاتر در هم و برهم راهی برای یافتن کتاب مطلوب نیست ، محل مطالعه نامناسب و وسائل کافی موجود نیست ، در تابستان از گرما و در زمستان از سرمای طالار مطالعه (اگر چنین محلی باشد) معذب خواهید بود . گاهی استنساخ و یادداشت برداشتن را مصلحت نمی دانند ، عکس برداری که نمود بالله ! عقیده دارند از قیمت کتاب کاسته میشود از همه اینها گذشته مگر کتابدار نوکر شماست ! چنان با ابروی گره کرده با شما روبرو میشود که در قدم اول از خیر کتاب خواندن صرف نظر می کنید .

آیا روزی خواهد آمد که آموزگاری از آموزگاران ما هم که اکنون برای تهیه قوت لایموت فرصت پیدا نمی کند يك دوره کتبی که در کلاس درس می دهد مطالعه کند ، بفکر تاسیس کتابخانه بيفتد ؟

اگر چنین فکری پیدا شد آیا بین ثروتمندان ما که فعلاً جز زمین خواری و کلاه سازی اندیشه دیگری ندارند صاحب همتی یافت خواهد شد که در کارهای علمی صرف مال کند ؟

آیا بازرگان روشن فکری هم بین بازرگانان ما پیدا میشود که اوقات بیکاری خود را صرف جمع آوری کتابهای نفیس و نسخه های کمیاب کند ؟

آیا روزگاری خواهد رسید که شهرداری ما از مشکل نان و گوشت فارغ شده باشد و گوشه خاطرش متوجه غذای معنوی جامعه شود ؟

بامید چنین روزی !

